تأمیل جامعه‌شناسی بر پیشرفت شکل‌گیری و رشد افراطی گراپی اسلامی در نیجریه

احمد محقق

استادان جامعه‌سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد
سازه‌کننده؟

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد
مهدی صرفا بی

دانشجویی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد
ایران‌بای شریفی

دانشجویی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد (نوسانه مسئول)

تاریخ دریافت: 1394/11/12
تاریخ پذیرش: 1394/12/29

چکیده
نوشتار حاضر می‌کوشد روند شکل‌گیری رادیکالیسم اسلامی در نیجریه را بررسی کند. در این راستا، ناپایانی شده است که این سوال پاسخ مطمئن شود که چه عواملی زمینه‌ساز ظهور و رشد افراطیگراپی مذهبی در نیجریه بطور اکثر و گروه بوکوحرام بطور اخیر شده است. عواملی زمینه‌ساز ظهور بوکوحرام بسیار پیچیده‌هستند و شامل عوامل جمعیتی، اقتصادی، سیاسی و امروزی می‌شوند. براساس نتایج موردبرد، صوبه‌های مسالمان بوکوحرام هستند که دربیر روند پیشرفت سازی مدرن‌سازی ابتدایی می‌کنند و خواهران بازگشت احکام دینی به صنعت سیاست ورزی کشور خود هستند. این گروه‌ها به‌دلیل دسترسی نداشتن به سازوکارهای قانونی از خشونت همچون ابزاری برای دستیابی به اهداف خود استفاده می‌کنند. به‌عنوان دیگر، مقصدان به این خط‌السیری آن را هم‌بیانی می‌برند. مطالعه‌ی گروه‌های بوکوحرام در نیجریه، درک مناسبی از راهبردی بودن دانشگاهی، بوکوحرام در کشور نیجریه است. برای این اساس، معتبر‌تری همچون فقر نظرسنجی مسائلی در محیط‌های ناحیه‌ای بی‌سیبی، عدم حضور مؤثر مسلمانان در عرصه سیاسی، وجود در کنار هدف باغ‌سازه و احساس هویت‌زدایی در بین سیاست‌گذاران توسط دولت سکوت به رادیکالشدن همچنین این گروه از جنگ‌های افراد راه‌پیماینده بوکوحرام برای توقف حملات و در وضعیت دوم، اجرای سیاست‌های مناسب امنیت انسانی برای بهبود وضع زندگی در مناطق شمالی کشور نیجریه.

واژه‌های کلیدی: نیجریه، رادیکالیسم اسلامی، بوکوحرام، آل ان‌ترور، برگ هابهاماس

1. a-mohaghar@um.um.ac.ir
2. sa_ak195@stu.um.ac.ir
3. mo-ga578@stu.um.ac.ir
4. ab.shahariari@stu.um.ac.ir
فراغ پیش‌دوز دموکراسی در سراسر جهان و نفوذ امواج جهانی‌شناسی، این امید را ایجاد کرد. بود که قرن 21، فنیه خواهد بود که در آن منایع مذهبی از میان رفته و آشتی در سرتاسر جهان گسترانده شده و جنگ و خونریزی به فراموشی سپرده خواهد شد؛ اما حواشی در آغاز این قرن به وقوع پیوست که راه داد این انديشه روابط بيش نبوده و براي دستياپي بدان، راهي طولاني براي پيمود. يكي از وقابل آغاز اين قرن كه پيشينيها را ناكارآمد جلوه داد، ظهور گروه‌های افراطگرای مذهبي ای بود که در مقابل جهان مدرن قد علم كردند و به مبارزه خشونت آميز با آن دست بزدند. اين گروه‌ها معتقدند كه دموکراسی لبرال و ارزش‌هاي آن یا فرهنگ آنها در تضاد قرار دارد و براي پیروزشدن براي دنبال مدرن بايد بر ارزش‌های فرهنگي خود تكه كردي و ماظهر مدن را از زنگي روزمره مردم زدود.

(اونیچی و پیچوزی، 2013: 41).

ازجمله مناطقی که افراطگرایی مذهبی در آن با شدت زیادی در جریان است، قاره آفریقا است. آنچه بطور عموم درمورده جنبش‌های اسلامی در آفریقا محل توجه است، محدود به کشورهای مسلمان در شمال این قاره است. این در حالی است که کشورهای مرکزی یا جنوبی این قاره به‌رغم داشتن جمعیت کبیری از مسلمانان، معمولاً مغفل واقع می‌شوند و بررسی نمی‌شوند. کمیابی پيشینه نظری درخصوص این موضوع، خود حاکی از این واقعیت است. است که مسلمانان آفریقای زیر صحرا، مسلمانان فراموش شده واقع هستند. نه تنها به مسلمانان آفریقا، بلکه به خود این قارة کهن، به دلایل متعدد بی‌توجهی شده است. واز آفریقا در نظر مدرن جهان مساوی با فقر، محرومیت، خشکسالی، جنگ، عقب‌ماندگی، استعمر و نظایر آن است. اما این یک روي سکه است؛ زیرا ازسوی دیگر، این قاره سرشار از منابع بکر و غنی و اراضی حاصلخیز است که بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکایی، چه در زمان استعمار و چه در عصر حاضر، به آن نظر داشته و دارد.

(بهینه، 2013: 138). به‌نحوی که قرن 21 را قرن آفریقا نام نهاده‌اند و در تلاش‌اند برای تداوم

1. Religious Extremist
2. Chigozie & Onyebuchi
3. Sub-Saharan Africa
4. Hynes
حبیت صنعتی و افزایش منافع ملی خود، از این قاره به‌هوربرداری کنند (نامی‌نمن: ۱۳۳۸). ۱۷. آفریقا به‌دلیل داراووند منابع غنی معدنی و طبیعی، ای‌ده‌ها سال پیش، متقاضی مناسب برای تاریخ ازسوسی و تجدیدخواهی ازسوسی دیگر بوده است؛ اما نیازمند سرسر این قاره را یکدست و همگن پنداشت. به‌عبارت بهتر، برغم خطوط یکدست مرزی، این قاره به‌هیچ وجهی یکپارچه و هم‌تراز نیست. در راستای بروز حاضر می‌توان از دو منطقه در این قاره نام برد که جایگاه مناسبی برای بروز خشونت مذهبی بوده است:

۱- قسمت شمال و شمال شرقی قاره که به‌شاخ آفریقا معرف است و شامل کشورهای همچون مصر، مراکش، الجزایر می‌شود. در این ناحیه در جنگ سال‌های اخیر، وقایع بسیاری مانند انقلاب مصر و تونس و آشورهای الجزایر و مراکش روز داده است که در تمامی آنها جلوه‌هایی مذهبی پربرد بوده است.

۲- قسمت جنوب غربی قاره که به منطقه زیر صحرا معرف است و شامل کشورهای همچون نیجریه، کامرون، بینین و نیجر می‌شود. در این منطقه ظهور رادیکالیسم دلایل درگیری دارد و در چهار متافوئی نیز بروز می‌یابد.

در قسمت شمال شرقی، بیشتر مسلمان‌ها حوزار حضور در صحبة سیاسی هستند و درگیری‌های بین‌مذهبی بسیار کم وجود دارد؛ اما در منطقه زیر صحرا به‌دلیل توازن تقیبی مسلمانان و مسیحیان، خشونت چهره برخورد مذهبی به‌خود گرفته است و به‌همین دلیل نیز سازمان‌های بین‌المللی نگرانی بیشتری درباره این منطقه دارند (اوکاگا، ۸۷). در بین کشورهای منطقه زیر صحرا، نیجریه وضع بسیار پیچیده و در عین حال نگرانی‌های بزرگی دارد. دموکراسی در نیجریه به‌دلیل نازاره‌ای‌های اجتماعی و فرهنگی که به خصوص آن تبدیل شده است، اغلب «دموکراتی‌یا دموکراسی دیوانه» توصیف می‌شود (موندو دیپلماتیک: ۴/۴/۲۰۱۲). هم‌زمان با آغاز قرن‌گردید بود که گروه‌های اسلامی در این کشور مجدداً استحاله خشونت زدند و پس از سقوط چندین ساله، با چهره‌ای جدید و البته خشونت‌طلب تر، نظرها را به حذف جلب کردند.

5. Thomson
6. Horn of Africa
7. Okpaga
8. Democrasy
9. Mondediplomo
چهارده دیدگاه رادیکالیسم اسلامی، بوكو هرام، نام دارد. این جنبش اسلامگرا جدیدترین گروه رادیکال اسلامی است که ظهور کرد. هدف اصلی این گروه بازگشت به حکومت اسلامی است و در این راه، خشونت را ابزاری کارا می‌دانند. بوكو هرام قصد دارد ایدئولوژی اسلامی خود را به دولت سکولار نرجسی تحمل کند (آدیسون، 2010: 95). با توجه به این مقدمات، هدف این نوشته بررسی زمینه‌های بررسی و ظهور گروه بوكو هرام است و به همین دلیل نیاز از روش کیفی و تکنیک مطالعه موردی استفاده شده است.

پیشینه تحقیق

آجایی (2012)، در مقاله خود با عنوان «بوكو هرام و ترویج دین نرجسی»، با اشاره به ریشه اسلامی بوكو هرام، مشکل اساسی دولت نرجسی را در مبارزه با این گروه، چگونگی تفکیک مبارزه با ترویج دین نرجسی از ضد اسلامی یو دن عنوان می‌کند. وی بر این باور است که می‌توان با اشاعه اطلاعات مناسب، آموزش هنگامی و بهبود عملیات امنیتی روند مبارزه با بوكو هرام را سرعت بخشید.

بامیه (2012) در مقاله خود با عنوان «فاعله ترویج دین نرجسی بوكو هرام در مقابله صلح ملی، امنیت و توسعه پایدار در نرجسی»، ضعف دولت زده نرجسی را در برکناری نظم، سطح دولت های شکست خورده همچون سومالی و افغانستان و پاکستان و یمن قرار می‌دهد.

گورلو (2016) در مقاله خود با عنوان «ارتباط بین بوكو هرام و القاعده: همکاری بالقوه مرگبار»، استدلال می‌کند که در برخورد آمریکا با گروه‌های سلفی، بعد از ماجراجویی سپتامبر، بوكو هرام نادیده گرفته شد و همین سبب شد تا در سال‌های اخیر، القاعده بنواند با این گروه ارتباط پیدا کند و به گونه‌ای بر روند افراط گرایی آنان تأثیر بگذارد.

10. Boko Haram
11. Adesoji
12. Case Study
13. Ajayi
14. Bamidele
15. Gourley
اگدی(۱۶) در بررسی خود با عنوان "قیام بوكوحرام: نیجریه باید چه پاسخی بدهد؟" تأکید کرد که رویکردی امینی که مبنی است بر سرکوب، نتیجه دلخواه را به دست نیاورده‌اند و بیشتر موجب شده‌اند تا مردم محلی در مقابل دولت قرار بگیرند.

مارشال(۱۷) در مقاله خود با عنوان "بوكوحرام و مقاومت نظامی اسلام در شمال نیجریه"، ریشه‌های اجتماعی اقتصادی و جمعیت و سعی حاضرنشین در قسمت شمالی نیجریه را در کنار اعتراض به نجوم اجرای قانون در این منطقه، عامل ایجاد جالشی به نام بوكوحرام می‌داند.

سامپسون(۱۸) نیز در مقاله خود با عنوان "معضلات ضد بوكوحرامیسم: بحث پاسخ دولت" به ترویج بوكوحرام در شمال نیجریه تأکید کرد که برنامه‌های ضدترویجی که رویکرد سرمایگرانه داشته‌است، در عمل به نتایج متضاد با آنچه هدف بوده، منجر شده است.

اگبیو(۱۹) در مقاله "بوكوحرام در مقابل دولت" ضمن اشاره به فراریان مسئله بوكوحرام از جنبه صرف امینیتی به ابعاد اجتماعی و اقتصادی این نیز برای دولت نیجریه اشاره کرده و خطر فرامی آن را نیز ارتباط با گروه‌های ترویجی بین المللی مانند القاعده و الشباب عنوان می‌کند.

بارکیندو(۲۰) در بررسی خود با عنوان "ایدئولوژی قدرت سیاسی در اسلام از این تیمیه به بوكوحرام"، معتقد است که برای بررسی مسئله بوكوحرام باید ریشه‌های فکری این گروه را بررسی کرد؛ زیرا در ایدئولوژی آنان، خشونت و افراطگرایی به نام اسلام تشویق می‌شود.

اووبی(۲۱) در مقاله خود با عنوان "اختلاف ترویجی اتحادیه و چالش بوكوحرام در نیجریه" شروع حملات انتحاری بوكوحرام را مهمترین تغییر نگرش در این گروه دانسته و معتقد است برای حل معضل بوكوحرام، بیش از همه جای بد ایده‌های ایجاد کننده آن را نشان‌آوری کرده تا بتوان از رشد آن یا ایجاد گروه‌های مشابه جلوگیری کرد.

۱۶. Aghedo
۱۷. Marchal
۱۸. Sampson
۱۹. Agbiboa
۲۰. Barkindo
۲۱. Obi
آوینابوچی و چیجوزی (۱۳۹۵)، در مقاله خود با عنوان «بنیادگرایی اسلامی و مشکل نامنی در نیجریه: پدیده بوکوحرام»، راهحل سیاسی و بازشناد باب گفت و گو را به عنوان راهکار توقف حملات بوکوحرام پیشنهاد می‌کند.

اگبی بوا (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان «صلح در خصوصت است؟ بوکوحرام و وضعیت اضطراری در نیجریه» ناراضیتی اقتصاد محلی را عامی در شورشهای مناطق شمالی معرفی می‌کند.

روش تحقیق
همان طور که بیان شد، روش به‌کار رفته در این تحقیق کیفی است و از تکنیک مطالعه موردی استفاده شده است. مطالعه موردی چنین تعیین شده است: روشی که از منابع اطلاعاتی مرکزی است. برای بررسی نظام مند افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها یا روش‌های استفاده و کنده. مطالعات موردی، هنگامی انجام می‌شوند که پژوهشگر نیازمند فهم یا تیپیندن پدیده است (ویئر و دومینیک، ۱۳۸۴).

چارچوب نظری
در خصوص تحلیل حکم‌ها تروریستی و افرادی، نظریاتی سیاسی ساخته و برداخته شده است. در چارچوب سنت مارکسیستی، این حکم‌ها که می‌توان نام جنبش را به آن‌ها داد، در برخورد برخور و نزاع و تقابل در جامعه است. در این سنت نظریه‌پردازی می‌توان از بورگن هایبراماس ۳ و آلن تورن ۴ یاد کرد. این چه جنبش‌های اجتماعی که در بستر فرهنگ اروپا و آمریکا ظاهر شده است، با جنبش‌های اسلامی متفاوت است؛ اما باتوجه به فقر نظریه پردازی در خصوص جنبش‌های اسلامی، به‌گونه‌ای که این نظریات بتوانند را در توصیف و تبیین واقعیت باید بررسی است. در بین نظریات جنبش‌های اجتماعی، نظریه آلن تورن و نظریه هایبراماس انتخاب شده است، از این لحاظ، چون بوکوحرام دارای عقاید احیاگرایانی است، نظریات احیاگری دینی به آن اضافه گردیده است.

22. Aghbibooa
23. Jürgen Habermas
24. Alain Touraine
حرکت اسلامگرایان نیجریهایی را می‌توان نوعی جنبش اجتماعی دانست. از همین رو، جهانی نظری این تحقیق بر مبانی تلفیقی از نظریه جنبش اجتماعی آلن تورن و هابرمارس و نظریات احیاگری دنبال کردن قرار گرفته است.

نظریه جنبش اجتماعی آلن تورن: تورن پایان نظریه خود را با دو مفهوم بنا می‌نهد: کنش و تاریخ‌نامه‌نگری. نقطه آغاز، کنش جمعی است (تورن، 1985: 51). تورن آن کنش جمعی را جنبش اجتماعی می‌خواند که شامل سیستم‌هایی بوده که پیروان توانایی های نهاده‌ی شده اگوهای فرهنگی را را به جنبش‌های نیز در مواقع کارگزاران جمعی کنش اجتماعی، جنبش‌های اجتماعی واقعی یا رخدادهای خارج‌العاده نیستند و دائماً در قلب حیات اجتماعی حضور دارند (تورن، 1981: 29). به‌طوری‌که تورن، جامعه مستقل است بر قرارها و جنبش‌های متضادی که حول نضاید محوری و اصلی در تعارض و مبارزه با یکدیگرند (احمدی، 1376: 9). به‌طوری‌که تورن، در هر جامعه بین جنبش‌های اجتماعی معارض، تضاید اصلی به چشم می‌خورد، یعنی تضاید بین طبقه‌های مختلف و مسئله که فرایند تاریخ‌نامه‌نگری را در اختیار خود گرفته و به خود اختصاص داده و از طریق سازماندهی و تشکیلات، آن را به نظم با سامان‌های خود تبدیل می‌کند و طبقه‌مغلوب یا تحت سلطه که آن نیز سعی در بازپس گیری تاریخ‌نامه‌نگری و اختصاص آن به خودی‌داد و بر آن است تا نظم موجود با سامان مستقر و وضع موجود را در هم ریز و تضاید را که نظم مذکور در خود پنهان ساخته است، اثبات می‌شود و سیزدگی دیده‌ی برای انگلیسی نگرشی است که از شناخت فرایندهای اجتماعی حاصل می‌شود. این فرآیندهای شامل جریان‌های فکری و الگوهای زندگی است که ساختار سیاسی برای مندگاری خود، آنها را به مرمی تحمیل می‌کند. نباید این شناخت شکل‌گیری جنبش‌ها و تلاش برای تغییر وضع موجود است (نش، 1361: 162).

آلن تورن برای موجودیت جنبش اجتماعی اصول سگانه‌ای به‌ریزی کرده است:

25. Religious Revivalism Theories
26. Nash
۱. اصل هویت: جنسیت اجتماعی باید از هویتی مشخص برخوردار باشد؛ یعنی اینکه مشخص شود از چه افرادی تشکیل شده، سخن‌گوی چه افراد و گروه‌هایی است و مدافع و مدافع به منافعی سه است.

۲. اصل مخالفت: جنسیت اجتماعی همیشه در مراکز مختلف و شکننده یاد می‌کند. بدون اصل مخالفت، جنسیت اجتماعی ممکن است وجود داشته باشد. اکثر جنبش‌های اجتماعی همیشه با وضع موجود مخالفت ند و اهداف خود را با وضع موجود در تعارض می‌یابند.

۳. اصل عمل‌نظامی جنسیت اجتماعی به نام ارزش‌هایی برتر، با ایده‌هایی برگزیده توسط اثر ایده‌های مذهبی آغاز می‌شود و کنش آن‌ها ملی است. تفکر و عقیده‌ای است که با حفظ اینکه جنسیت اجتماعی می‌شود، ممکن است به صورت منافع ملی، آزادی بشر، رفاه و حیاتیت جمعی، حقوق انسانی، سلامت همگانی، خواسته‌های و... باشد. این‌ها همان خصوصی‌تیانی‌ایند که توان آن را اصل عمل‌نظامی می‌نامد. این اصل هم مانند اصل هویت و اصل مخالفت، برای شناخت‌دات و جهت‌گیری جنسیت اجتماعی، معمولاً با تغییر در اصل عمل‌نظامی آن همراه است (روش، ۱۹۸۲: ۱۳۷۵).

یورگن هابرس: هبه‌رمانس معتقد است سرآغاز خشونت پرهیز از گفت و گو و نبود اهماس به درک متقابل بین دو گروه در جامعه است. او معتقد است ترور و خشونت اساساً با هیوت‌های سروکار دارد و نه نفوق‌ها. تحلیل هبه‌رمانس برای این فرض قرار دارد که جنسیت‌های اسلامی رادیکال و اکتشی در مراکز مولوگه‌گر بدنی و ادعا برتری فرهنگی و سلطه بر جهان هستند. درواقع، تحریر که جامعه امروز را به مخاطره اندیخته است، استعمار هویت فرهنگی توسط هویت غربی است (مجیدی و حاضری، ۱۳۹۱: ۱۳۹). به‌واره هبه‌رمانس، از آن‌جاکه مذهب در سرخوردگی یا تقویت هویت نقش تعیین‌کننده دارد، می‌تواند در جنسیت‌های اجتماعی نقش بسزایی داشته باشد. کوشش غرب برای به‌محافظه‌راندن اسلام و ترکید در خصوص اصلت و حقیقت اسلام، سبب شده است نوک پیکان حملات گروه‌های افراتی اسلام گرا سپس‌ها و نماهای هویت غربی را نشانه‌رود. هبه‌رمانس معتقد است تک‌صدایی حاکم بر حوزه فرهنگی، تبلیغ ارزش‌های غربی و تلاش برای جهان‌سازی هرکن.

۲۷. Roche
آن، ازسوسی به رواج سکولاریسم انجامیده و ازسوسی دیگر هویت های دینی را جنبه‌دار

و طرد و حاشیه‌ای ساخته است (محمدرضا حاضری، 1391). به‌ویژه هابرمس. آنگاه که جنگ وجهه هویت تمدنی به خود بگیرد، دیگر با فعالیت‌های پلیسی و قطع‌نظام‌های حقوقی قضاوت شلدنی نیست؛ بلکه نیازمند نسخه‌ای اجتماعی است که یک یا دو دموکراسی گفتگویی و رسیدن به توان ازطروق دانش را می‌بخش مطرح می‌کند. در آن، معتبرت‌ها و منزلت‌ها زیر بار استعمار قدرت و ثروت تحریف نشودند (محمدرضا حاضری، 1391: 194). بر همین اساس، هر نوع جنگ‌طلبی افرادی که تقریباً به‌فاتیده است؛ جراحی زبان مشترکی بین دو طرف وجود ندارد.

نظریه احیایگری دینی: یک طور کلی در رابطه با جنگ‌های احیایگرایانه دینی و به‌ویژه اسلام گرایی، دو دسته تفسیر وجود دارد: تفسیر «مدرنیستی» و تفسیر «پسامدرنیستی». در تفسیر مدرنیستی، اسلام گرایی جنگ‌های اسلامی واکنش ۱۰ در نظر گرفته می‌شود که بر باختر میرسد و روش فکران و تهیه‌دان شهروی به اگزی مذهبی مدرنیزاسیون منفی است. گفته می‌شود این جنگ‌ها خصوصیتی ضددمقراطیک و وایگرا دارند (بیات، ۱۳۸۹).

در این تفسیر و برداشت‌ها، می‌توان به برخورد تمدن‌های ساموئل هانتینگتون، اشاره کرد. وی چاپرچوب را طرح می‌کند که در آن، هر جنگ‌های که با مدرنیتی غربی مقابله کند، واجد خصوصیت «ضددمقراطیک» می‌شود. رنجر و صبایی (۱۳۹۲: ۹۴). نوع دوم تفسیر، اسلام‌گرایی را نوعی بیان و واکنش دربرابر پسامدرنیسته می‌بیند. در این چاپرچوب، جنگ‌ها بر تکابلی معطوف به نمایید، خودمختاری فرهنگ، نوع دیگری از طرح حکومتی داری و نظام اخلاقی دربرابر مدرنیسم جهانی سکولار دلائل می‌کند (بیات، ۱۳۹۰). چاپرچوب نظری موجود در این جستار، در دسته اول، به تفسیر مدرنیستی قرار می‌گیرد. به‌نظر نگارندهان، جنگ‌های اسلام‌گرای بی‌حاجی‌اند که در هیئتی رادیکال جلوه کرده است، ازسوسی و واکنشی است به حسرت هویتی که درنتیجه مؤلفه‌های دنبال مردن رخ نموده است. و ازسوسی دیگر، حضور تمامی گروه‌های رادیکال اسلام‌گرایی است دربرابر مونولوگ و ادعای احصائی از Failure. در این گفتار، نظریه هابرمس و اصول سه‌گانه جنگ‌های اجتماعی آلی شوران ابزار

28. Reaction Movement
29. Bayat
30. Samuel Huntington
تهیه گروه بوكوحرام به‌عنوان گروه احیاگر اسلامی ضدمدرن، خواهند بود.

بررسی گروه بوكوحرام

متوجه همان مبانی درباره بوكوحرام در زبان فارسی، به‌نظر می‌رسد قبل از هر چیز مناسب است تاریخچه آن را گونه‌ای اجمالی بررسی کنیم.

تاریخچه بوكوحرام


در پی دستیابی به اهداف اجتماعی است؛ اما از سال 2002 و با رهبری محمد يوسف، گروهی گروهی را به دور خود جمع کرد یا احکام شریعت را در نظر گرفت. وی گروهی را به دو دستیابی کرد اما نبود که از اطلاعات طالبان گروهی واپسین افغانستان بودند. این درست وقتی بود که از اطلاعات طالبان با این دو دستیابی آمریکایی یک نیروی نیرویی، بیش از سال 2009 در جنگ دهکده دیگری در شمال نیوریبی بازداشت شد؛ زمانی که گروهی دیرتر در درگیری شدند و 186 نفر از آنها جانشان را از دست دادند. يوسف تلاش کرد فرار کند و آن‌ها هم با شلیک چند گلوله یک نفر به تعداد تلفات بوكوحرام اضافه کردند (موندو دیلیماس: 4/6/2012).

اورچه نام فرقة در طول سال‌ها تغییر گرفته است، با این گروه ایدولوژی ساده‌ای دارند که در ناسیون هم مشخص شده است. کلمه بوكو در اصل به الفبای لاتین گفته می‌شود که در فرانسوی، همان نوع استعماری فرانسوی و انگلیسی وارد آفریقا شد و برای نوشتن زبان هوسایی به کار رفت. در قرن بیستم، این الفبا سازمان‌دهی شد و اکنون مبنای نگارش هوسایی در رسانه‌ها و کتاب‌های نهایت است. این کلمه در میان مردم بمعنی سبک

31. Jama’atu Ahlis Sunna Lidda’awati Wal Jihad
غربي است که با پسوند عربی 'حرم'، جهانی‌بینی و ایدئولوژی و خط‌مایی و راهبرد کامل گروه بوکوحرام را یکجا تعریف می‌کند: آموزش به سبک غربی حرام است (دانجی، 2009: 7). این نام مستعار حاصل از تعلیم بنیان‌گذار آن، محمد يوسف، است. يوسف استدلال می‌کرد که آموزش و پرورش غربی چیزی جز فقر و درد و رنگ برای مردم نیاورده است؛ بنابراین حرام است (اوکاگا، 2012: 26). به همین دلیل نیز مدارس یکی از اهداف اصلی حملات این گروه است؛ به‌طوری‌که در سال 2012، با حمله به 12 مدرسه و با آتش کشیدن آنها، حدود 10 هزار دانش‌آموز را به تهدید و حتی کهترآزی مدرسه خارج کرده‌اند (آلو، 2013: 2). اما رهبر جدید این گروه عمرو معلوم (جانشنی محمد يوسف) در بیانیه خود تعریف راه‌یافته از این گروه را رد می‌کند: بوکوحرام به‌هیچ وجه به آن معنی نیست که رسانه‌های کافر از ما به تصویر می‌کشند (آموزش و پرورش غربی گناه است); بلکه به معنی 'حرام بودن تمدن غربی است'. دیگر اینکه، اعتقاد ما به برتری فرهنگ اسلامی محدود به آموزش و پرورش نیست؛ بلکه فرهنگ ما گسترش‌دهنده است و تنها یک جزء آن آموزش و پرورش است (شبکه الجزیره انگلیسی، 2012: 2).

بکوحرام ممالکی که این منطقه و مناطق شمال شرقی آفریقا را در شرایط متفاوتی می‌گذرانند. در تصویر زیر، مناطق تحت نفوذ بوکوحرام در سال 2014 با رنگ تیره مشخص شده است.

تصویر 1. مناطق تحت نفوذ بوکوحرام

دلایلی را که شاهد بوکوحرام که گروهی احیاگر و ضد‌مدرس است، در سه اصل بررسی شده است.

32. Alao
1. ظهور بوسکو هرام؛ تلاش برای رفع برتری مولوگویی غربی و تأکید بر هویت اسلامی:

اصل هویت

به‌نظر تورن، اولین مشخصه هر جنبش اجتماعی تأکید بر تماشای بین ما و دیگری یا همان اصل هویت است. اصولاً هویت از راه مفاهمه به دیگری ایجاد می‌شود (اسدی و رضائی‌نیا، ۱۳۹۲: ۴). می‌بایست مرور به همیت بدنی سبب نجیب‌های حاکم است که حضور فراگیر استعمار و تسلط بر جوی ندای آن بر این خط، خودبه‌خود زمینه‌ساز بحران‌های همیتی شده است. دیرپاتر از حضور استعمار، می‌توان به پراکندگی مذهبی در این کشور اشاره کرد. همان‌طور که گفته شد، فقط نیمی از جمعیت نیجریه مسلمان هستند و بیشتر درگیری‌ها در دهمه‌ای آخر در این کشور، درنتیجهٔ چالش‌های مذهبی بین مسلمانان و مسیحیان رخ نموده است (بافته دهل، ۲۰۱۲: ۴۲). به‌همین دلیل نیز ظهور گروه تندرویه همجنون بوسکو هرام در نیجریه را می‌توان تلاشی برای تأکید بر اصول اسلامی این گروه تلقی کرد. براساس تحلیل هایرمس، هرگاه سیاستی اجتماعی بکوشد تا خود را یک جامعه‌ای از نظر فرهنگی نامناسب کند، بروز افزایشی و مقاومت علیه چنین سلطانی دور از انتظار نخواهد بود (محمدی و حاضری، ۱۳۹۲: ۱۹۴). از انجاکه ساختارهای هنجری و فکری، وکلیده‌های اجتماعی کشوران هستند (ملازی و کامی، ۱۳۹۲: ۱۲۵)، مسلمانان نیجریه که در درازمدت با توجه به سابقه دوران استعمار رب‌کرده‌ای از خودپایگانی‌گی را لمس کرده بودند. به‌دنبال نوع جدیدی از همیت بودن که صرف‌نظر از رادیکال بودن آن، احساسی اسلامی می‌توانست به آن معنی باشد. مسلمانان نیجریه اسلام را به عنوان مؤلفه‌ای تمایزی‌بخش و جداکننده از سایر عوامل با رنگ‌های غربی برگزیدند. اسلام برای مسلمانان نیجریه به عامل همیت‌بخش تبدیل شده است که آنان را به دوران «نظام اسلامی سوکتو» متشکل می‌سازد؛ اما این را که چرا این همیت خواهی چهره رادیکالیستی و خشونت‌گرا به خود گرفته است، بازی در عوامل زمینه‌ساز آن جست و گذ. در ایلاب اصلی آن عبارت است از:

1. تضادهای قومی مذهبی: این نوع تضاد در اغلب نواحی نیجریه وجود دارد و گروه‌هایی که سالیان دراز با آرامش در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند، امرود در مقابل هم دست به اسلحه برده‌اند. در اغلب مناطق، گروه‌هایی هم‌هستند که در تأکید بر همیت اسلامی و مسیحی، برده
و آزادت‌پذیری و مهاجر وجود دارد که به عنوان سر برای پرهمزدن نیت و امینت
تبدیل شده‌اند (آتیاکی، 2013: ۲۱). 

۱. ناسالم بودن فضای رقابت سیاسی: این فضای نامناسب سیاسی سبب شده است
نژادی احزاب رقیب در بالای یکدیگر به خشونت متوسل شوند، بلهک در درون هر حزب
درکی برای انتخاب شدن، مجموعاً با نشان دادن اسلحة به یکدیگر پایان می‌یابد (اوکیاکا،
2012: ۸۱). 

۲. فضای ناسالم اقتصادی و خشونت اقتصادی و فقر: دسترسی دولت به پول نفت
و استفاده از آن درجه‌بندی اهداف خود، سبب شده است سایر گروه‌ها و احزاب
تونایی‌نگری برای فعالیت اقتصادی نداشته باشند (آتیاکیی، 20۱۲: ۱۰۳). به علاوه، فقر
گسترده نارضایتی‌ها فراوانی ایجاد کرده است. گمانه‌زنی‌های اولیه نشان می‌دهد فقر
لوم نگر ایده‌های پیشرفت در حدود ۱۶۰ میلیون نفری این کشور را در درون خود جای
داده است؛ به‌طوری که اینان کمتر از ۲ دلار در روز درآمد دارند. جایی آنکه قسمت عمده
جمعیت فقر این کشور در قسمت شمال زندگی می‌کنند (موندو دیپلمات: ۴/۲۰۱۲: ۲۰). 

۳. آمار ارضایشده در جدول زیر، به‌خوبی نشان می‌دهد که شکاف حمامی در دو قسمت شمال
و جنوب وجود دارد.

جدول ۱. درصد جمعیت فقر در دو دهه زمانی در مناطق جنوبی و شمالی

<table>
<thead>
<tr>
<th>سال</th>
<th>منطقه</th>
<th>200۴ (درصد)</th>
<th>199۹ (درصد)</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>جنوب</td>
<td>۳۴.۵</td>
<td>۳۴.۵</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>شمال</td>
<td>۴۱.۹</td>
<td>۱۷.۴</td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>

استخراج از: اگیو، ۲۰۱۴.
به نظر می‌رسد آنچه بیش از همه خشورت قراری را در نیجریه دامن زده است، تأثیرگذاری عوامل داخلی ذکر شده است. فقر گسترده و تأمین نشدن نیاز‌های اساسی سبب شده است تا گروه‌های اسلامی‌گرا خود را در موقعیت نابرابر مشاهده کنند. برای مثال، در ایالت بردن که بیوکرهام فعالیت خود را از آنجا آغاز کرد، سهمیه مردم در فقر به‌سر میرند و فقط 17 درصد از جوانان با سوابق هستند و تقیقاً نیمی از کودکان در سن تحصیل به مرده‌اند. می‌رودن. این آمار نشان دهنده اوضاع بسیار نامناسب استان‌های مسلمان‌نشین نیجریه است. سازمان ملل در گزارش سال 2009، شاخص توسعة انسانی مناطق شمالی و جنوبی را چنین گزارش کرده است:

جدول 2. شاخص توسعة انسانی مناطق شمالی و جنوبی نیجریه

<table>
<thead>
<tr>
<th>منطقه</th>
<th>میانگین شاخص توسعة انسانی</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>جنوب</td>
<td>255.0</td>
</tr>
<tr>
<td>شمال</td>
<td>414.0</td>
</tr>
</tbody>
</table>

اختلاف را به‌رحابی می‌توان مشاهده کرد. جالب‌تر آنکه در همین گزارش عنوان شده است که مناطق شمال شرقی که بیوکرهام فعالیت خود را از آنجا آغاز کرده، اکنون نیز پایگاه اصلی آن قلمداد می‌شود. با میزان توسعة انسانی 332.0 در پایین‌ترین سطح در کشور نیجریه قرار دارد.

در کنار این اوضاع نامناسب، رفاهی، ناتوانی سیاسی مسلمانان و غیرعاملانه بودن وضع سیاسی اسلام‌گرایان را به این نتیجه رسانده است که راهحل سیاسی (منجره و رقابت حزبی و...) راه مناسبی نیست (آجایی، 2012). برای تاکید بر هیوت اسلامی و داشتن نقش و سهمی در کشور، با اقدام دست به اسلحة برد می‌رد. درحقیقت، این گروه با پاسخ‌های رادیکال از اسلام، هیوت خود را از طریق تفکیک و دوری جستن از دانش بیشتری به‌دست می‌آورد و با تلاش برای برپایی حکومت اسلامی با تفسیر اقتدا آسیب به آن، برای هیوت پایی می‌فشارند.
دولت نیجریه و مسیحیان: دیگر های بیکوحرام: اصل مخالفت

برای ایجاد نمایش و پافشاری بر آنچه هستیم، مخالفت و اعتراف ضروری می‌نماید. این دومن ویژگی هر جنبش اجتماعی از نظرگاه تورن است. به‌نظر می‌رسد برای تعیید مرز خودی و غیرخودی مخالفت با "دیگری" گریزناپذیر است. تشخیص "دیگری" در گروه‌های رادیکال و تندرو مشکل نیست؛ چرا که دیگری هدف حمله مستقیم قرار می‌گیرد و از طریق مقابله و معارضا رودنیو دصدید حذف و یا تأثیر سخت‌ناهنجام بر آمدن می‌تواند نیجریه و مسیحیان ساکن در مناطق جنوبی نیجریه را مهم‌ترین دیگری بیکوحرام دانست. به‌عبارت دیگر، تمدن غربی به‌مانند مهم‌ترین دیگری در برای اسلام گرایان رادیکال طرف می‌شود و مسیحیان و دولت سکولار در جایگاه نماینده این تمدن، هدف بیشترین حمایت این گروه تنگرو قرار می‌گیرد. به‌عبارت بهتر و با در نظر آوردن نظر هارناس، انجام‌طلبی و جراین بکسوسیه فرهنگی که این گروه‌های سکولار اعمال می‌کنند، بیامد مفهوم‌گری است که نتیجه آن رادیکالیسم است.

دولت: گرچه تلاش‌های بیکوحرام اولین تلاش متوسل به‌بزرگ خشونت برای تحمیل ایدئولوژی اسلامی در نیجریه نیست، می‌توان آن را نخستین تلاش برای احیاگرای اسلامی در نیجریه به‌حساب آورد. ویژگی منحصر به فرد این گروه، استفاده زیاد از ابزار خشونت آمیز در مقابل با دولت است. (آدوسویی، 2010: 92) و خواسته اصلی آنها نیز اسلامی سازی حکومت است. نقص دولت به‌عنوان یک گروه دیگری بیکوحرام نه تنها در تأسیس و بلهک در رادیکالشدن این گروه بسیار مهم و شایان توجه است. بیکوحرام در ابتدای امر در حد نوعی جنبش اعتراضی مذاهبی بود که تلاش می‌کرد خلا از غفلت احزاب متفرقی را پر کند. ابتدا حملات بیکوحرام فقط شامل دگرگرای فقهی بود که در آن با سلاح سرد علیه مسیحیان اقدم می کردنند؛ اما از سال 2010 خود را به سلاح گرم مجهز کردند و علاوه بر مسیحیان، اقداماتی نیز علیه دولت انجام دادند. در این زمان بود که نگرانی‌ها از احتمال ارتباط این گروه با القاعده افزایش یافت و تحقیقات نشان داد که اعضای گروه بیکوحرام را عوامل القاعده در سومالی (گروه الشباب) آموزش داده‌اند. به‌باندی دیگر، اکنون بیکوحرام که در آغاز جنبشی بود برای حق رأی و تأثیر گذاری در سیاست‌های دولت به‌تدریج منطق‌دید ترویسی تبدیل شده است (اوکپالا، 2012: 83). اعضای این فرقه معتقدند...
که دولت حاکم، آگاهی از رژیم‌های اجتماعی و فساد است؛ درنتیجه، از نظر آنها بهترین عمل هر مسلمان این است که جامعه از انتظار اخلاقی ورشکستگی را ترک کند و تلاش کند تا یک جامعه ایدئال اسلامی، عاری از فساد سیاسی و محرومیت‌های اخلاقی ایجاد کند. در دید این گروه، اعضا کاوش هستند (حقیقی را اکنون می‌کنند) یا فساد و مستمر (الجزیره، ۲۰۱۲:۲). عواقب ناشی از رفتارهای بوکو‌حرام برای ساختار جامعه نیجریه بسیار ناگوار بوده است:

هزینه‌های سنگین جابجایی مردم، کشتار مردم، برداشتن اموال، شکستن ساختمان خانواده، جلوگیری از سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و... که تمامی آنها تصویر نامناسبی برای آن‌ها است (الجزیره، ۲۰۱۲:۳). بوکو‌حرام در حال حاضر تنها این را یافته است که حملات انتحاری با شدت متغیری را در نیجریه انجام دهد. تعداد حملات این گروه در دوره بعد از یوشوف (۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲) به مزيد ۱۲۰ حمله رسیده است. نکته‌ی تأکید برای گزارش تنها در گروه روزنامه انتخاباتی نیزی نیز بود (آدوسوی، ۲۰۱۰): تمرکز حملات بر نیروهای امنیتی دولت (بلیس و سربازان و زندانبانوان) به‌جز مراکز عبادی مسیحیان، نشان‌دهنده این است که دولت مهمترین دیگری این گروه و درنتیجه اولین هدف حمله آن است. البته در این بین، نیازی از نقض دولت در رادیکال‌شدن این جنبش که در بادی امر فقط اعتراضات سیاسی مذهبی می‌کرد، غافل شد. سیاست دولت نیجریه پرپایه سیاست قدمی هویج و جماعتی است:

هویج شما اعطا عفو به اعتراضی که خود را تسلیم کند و رهبری به فقر و بیکاری و یا عدلی در منطقه شمال است تا این طریق، جوانان ناراضی به‌سمت دولت جذب شوند. جماعتا نیز بهکاربردن نیروهای امنیتی و نظامی برای سرباز است. بدری منظور، نیروی نظامی ورزشی برای مبارزه با بوکو‌حرام تشکیل شده است. همچنین، مرزهای کامرون و نیجر برای کنترل بوکو‌حرام به شدت دیده شده است (الجزیره، ۲۰۱۲:۵).

این سیاست دوگانه، در عمل بی‌شک به‌سمت جماعت رفت و یکی از دلایلی شده است که اسلام‌گرایان به‌سمت رادیکالیسم سوق بیدا کند و رادیکالیسم افتدارگرا را به‌عنوان ۳۳. Carrot and stick policy
این‌دلولی‌های خود برگرگیند؛ اما با دنی‌آوردن این موضوع که انتکای پیش از حس بر
تكنیک‌هایی از ارتباط، نه‌تنها آراهنده‌های تصویری است از دنیای دختر بحران مشروطه‌ی که
به‌شدت در تلاش برای زندگی‌ماندن است، بلکه در دوازدهم اول ماه ۱۳۹۴ نکوداشت.
در کمک‌رسانی به آن (اریا، ۱۳۸۳:۱۳۷۱، پایه‌ی ده، ۲۰۱۲:۴۱) اگر دولت به ریشه‌های
اولیه این گروه‌ها در پی رقابت‌های بسیار جووانی مثل و سازندگی‌ها می‌داد، چه‌بسا امرورز
وضوح به‌نحو دیگری بود.

اگر بخواهیم از دیدگاه تورن به نقش دولت نیجریه بگریم، بايد به اين نکته اشاره
کنم که دولت در اين كشور نهاد مطلبي است که فرآیند تاريخي‌گري را در اخبار خود
گرفته و به خود اختصاص داده و از طرق سازمان‌دهي و تشکيلات، نظم یا سامان دلخواه
خود را ايجاد مي كند. طبیعه مغلوب یا تحت سلطه که مسلمانان اين منطقه‌اند، نيز سعي در
باپزيس گيير تاريخي‌گري و اختصاص آن به خود داشته و بر آنان تا نظم موجود یا سامان
مستقر و وضع موجود را در هم زنده. آنها مي خواهند تضاد را به نظم مذکور در خود
پنهان ساخته آشكار سازند و شباهاي بدیعى برای انديشباند و كارکردن و زیستن خلق
کنند. تاريخي‌گري به‌دور تورن، يعني شيوه نگرشي که از شناخت فرايندهای اجتماعي
حاصل مي شود. اين فرايندها شامل جریان‌های فكرى و اگوهاي زندگي است که ساختار
سياسي برای ماندگاري خود آنها را بر مردم تحمل مي كند. پيامد اين تحمل که دولت
سکولار نیجریه آن را پيگيري مي كند، شکل گييري جنبش به‌نام بوكوهرام و تلاش برای
تغییر وضع موجود است. تا زمانی که دولت نیجریه از تحمل ارزش‌های مدنظر خود
که بيشتر مواقف طبع سکولارها و مسيحیان است، صرف نظر نکند، عديد منظور مي‌رسد
آتش تازه‌شعله‌رود های رادیکالیسم اسلامي به خاموشی گردي. براساس تحليل هابرمان نيز
می‌توان دوست نیجریه را دولت سکولاری دانست که ارزش‌های سرامیاى درآمیزی را نمایندگي
می کند. اتخاذ شیوه‌های غربی در مدیريت و در ساختار نظام سياسی نیجریه و فرآیند آن
مياهات به آن، عاملی است که در رادیکالیژه شدن بوكوهرام به تاثير نبوده است.

مسيحیان: منطقه‌گيي نیجریه محل سکوت مسيحیان این کشور است. برای مسلمانان
این کشور، مسيحیت و کلسیس‌های تبیین باره اهمیت ایدئولوژیکی بود که استعمارگران و برای
تسهیل نفوذ در بین مردم این کشور ترویج داده‌اند. کلیس‌های تبیین عامل مهم توسه‌
و سلطان فرهنگی استعمار به شمار می‌رفتند؛ جرایم آن‌ها دارای امکانات سرکوب کننده و آگاهی پخش بودند، بنابراین ممکن که سلطه استعمار و مدرنیسم را هم‌زمان تروریگ می‌کردند. کلیسه‌ای تبیه‌گری به آموزش که افکاری‌ها آن را عامل پیشرفت استعمارگر آن دانستند، اهمیت فراوانی می‌دادند (شکیبا، 1385: 48). به‌همین دلیل، در همین جنبش‌های اسلامی، هم‌واره آموزش و مراکز آموزشی است که هدف انقلاب و حمله قرار می‌گرفت. در الواقع، از آن‌ها به شیوه آموزش استعماری در اختیار مسیحیان بود، مسیحیان از موقعیت مناسب‌تری برخوردار شدند و توانستند در امور اقتصادی و سیاسی مؤثرتر واقع شوند. لذا در اکثر کشورهای افراطی، درآمد‌ها بیشتر و طبقات بالاتر اجتماعی در اختیار مسیحیان است و همین امر رشک سایر گروه‌های فرهنگی و مذهبی را برخورد و سبب می‌شود تا دیگران مسیحیان را سنت نمی‌پذیرد استعمار بدانند. تسلط مسیحیان بر ساختارهای آموزشی که می‌توان آن (آموزش) را درگاه سیطره بر منابع سیاسی و اقتصادی و اجتماعی تلقی کرد، موجب تقویت و تثبیت وجوه تمایز و تقسیم‌بندی موجود اقتصادی و اجتماعی شده و به‌مرتی اولویت بخشیدن برفی گروه‌های نژادی که سابقه و ارتباط بیشتر با گروه‌های تبیه‌گری داشتند. منجر شده است. بی‌توجهی نادات گروه اسلام‌گرای این منطقه، نیز اولین اعتراضات و حملات خود را به نهادهای آموزشی ابراز کرد. روبرو دختران مهران خبرنگار اقدام سنجیده این گروه برای نشان دادن مخالفت خود با نهادهای آموزشی به‌سزای این است. البته قبل از آن، در اواخر سال 1392 به تمامی غیرمسلمانان ساکن قسمت شمالی کشور هشدار داد تا 3 روزی منطقه را تخلیه کنند و در غیرباور به باکسازی فومی مذهبی دست خواهند یافت که هدف کارگر افتاده و مسیحیان منطقه را ترک کرده (البرزی، 1392: 4). با توجه به درصد گسترده جمعیت مسیحی در این کشور، نزاعهای مذهبی با هزینه‌های گراف انسانی صورت می‌پذیرد که جز نشنال‌دند تصوری خشن و غیرانسانی از اسلام، ثمره دیگری ندارد.
34. Borno State
گروه‌های تندرو و عده‌ای آینده‌ای بهتر می‌دهند که عدلت اسلامی و جه مشخصه آن است و افزایش گرفتن افراط طبقات باید جامعه با بی‌توجهی به این گروه از مراحل اقتصادی بهره‌مند می‌شوند. شاید طرح مسائل مادی و اقتصادی برای گروه‌هایی که دین را ایدئولوژی خود قرار داده‌اند، توجه‌گیر نیاند؛ اما در قاره آفریقا، فقر و گرسنگی درنتیجه بلاط‌های طبیعی، جهت، سوءمدیریت‌ها و مسئولیت‌ها از این قبیل. تا اندمازه‌ای گسترده‌ای است که برخی نظرپردازان حتی گروه‌های به مسیحیت را درنتیجه تطبیق و با انگیزه‌های منافع‌آمیز می‌دانند. این استفهام مسبیح غیرآفریقی‌یاری مؤمنان به این دیدگاه دارد که مسئولیت گزارش این نگویی مشترکان و اجتماعی است. سویاً اعمال اراضی یا اکثر نتیجه‌های بسیار مهم تأثیرکار بر تحلیل اوضاع این منطقه از جهان محصور کرد.

دسته‌ای دوم را طبقات متوسط در جامعه نیچره تبیان می‌دهند. اگرچه معمولاً عضوی طبقه متوسط به سمت میانه‌روی و اعتدال می‌پردازد. از انجام‌کننده دولت نیچره هرگونه مشارکت سیاسی را برای مسلمانان محدود ساخته تا تماشای را داده‌کنند. حتی در این طبقات از طرف افراشیفته است. سیاست‌سازی‌ها و اجتماعی که خواهان حضور سرنشین در عرصه سیاسی کشورند، وقی چه روزنهای برای تأثیرگذاری بر دولت و در حقیقت بر سرنوشت خود می‌پندان. از روش‌های خشونت‌بار سود می‌جویند. سرنوشت گروه‌های اسلام گرا که از راه‌های مسالمت‌آمیز در صدد تأثیرگذاری سیاسی بودند، به‌خصوص در الجزایر و کنیا تأسیس‌برانگیز است و این فرضیه را که احیای صنفی نیست می‌زاند به قدرت داست یافته، در بین این گروه‌های تندرو تقویت می‌کند.

در بررسی نتایج تحقیقات بکوحرام، نباید از متغیرهای خارجی و بومزه حمایت‌های مالی القاعده در ایجاد موج جدید خشونت‌های قومی بهبودی کرد. تأثیرکاری‌های بکوحرام از القاعده بهاندزه‌ای است که برخی آن را طالبانیسم دوام داده می‌کند (نامه، ۱۳۸۶: ۱۴۹). خشونت‌هایی در اندیش و عقاید افراطی که به شبه‌پایه به مروط غاره طالبان در افغانستان و داعش در عراق نیست، مجتمع بین‌المللی را بر آن داشته‌ایگا نمک‌محموم کردن آقادات بکوحرام، برای بحث‌بردن این گروه سخن از مداخله بشردوستانه به‌هیمن وزارت بیانگر می‌کند. اگرچه هم از لنگر ساختاری و سازمانی و هم از لنگر اهداف اعلامی شبه‌پایه بین این گروه‌های بکوحرام رادیکال و وجود دارد، پاتوجه به بزه زمانی که بکوحرام به خشونت علیه سازمان‌های بین‌المللی روان
آورده (1390) بعده، می‌توان بدین نتیجه ردید که این گروه برای تأمین نیازهای خود برای ادامه مقدماتی با دولت، دست به این اقدامات زده است و هدف اصلی آن‌ها اجرای احکام اسلامی در نیجریه است و نه استقرار حکومت اسلامی در دنیا. شاید اگر در دولت نیجریه گروه شناوی برا ی پایسی‌گوشی به نیازهای مختلف مسلمانان ام از سیاسی، اقتصادی، مذهبی و... یافته می‌شود، امروز دولت این کشور مجبور نیست بر حل مسائل داخلی شد.

استادات سازمان‌های بین‌المللی شود.

این ساختار و تکلیف‌ها که ویژگی آن را از نظر گذراندیم، به‌دنیال تحقق جامعه‌ای مبتنا بر شریعت اسلامی است. درواقع، اصول همگانی که بُرک‌رخ می‌آن معتقد است و مدتی فاضل‌تر از گروه پیروان خود طرح کند، جامعه‌ای است که در آن احکام اسلامی اجرا می‌شود. البته اسلام منظور این گروه متبنا است بر تفسیرهایی به‌شکلی که حکومت اسلامی از دین، اجرای دیگر قوانین شریعت، برقراری سیستم قانونی کاملاً منطبق بر قوانین شریعت و اسلامی، آموزه‌های اعرابی آموزه‌های اسلامی و مذهبی و تعطیل آموزه‌های مدرن و غربی خواهند استفاده از فناوریها و مدیریت‌سیابنی بازگشت به اصول زندگی اسلام اولیه. نیز، این گروه بر قوانین شده‌ای سختگیرانه برا ی زنان تأکید می‌کند.

درخصوص سیاست و حکومت نیز اسلامگرایان از شریعت به عنوان اصول راهنمای حکومتشان حمایت می‌کنند. قانون شریعت محور اساسی در هدایت مسلمانان است و این قانون فراخ یا دیگر نظام قانونی، روابط افراد با خودشان و همسایگان و دولت را تعیین می‌کند (ناموسن: 1387 آق‌آقا اکون بوكورهم). در نیجریه خوانده می‌شود، بر اسلام به‌مثابه به‌بخش جدایی‌ناپذیر سیاست تأکید می‌کند و قصد تکلیف حکومت اسلامی را در نیجریه دارد. حکومتی که باید در تمام جوان‌سیاسی، اقتصادی، مذهبی و فرهنگی فقط برساس آموزه‌های ابداعی اسلامی باشد. اینکه رادیکال‌پس اسلامی از دهه نود به بعد در نیجریه رشد کرده است و اکون در بخش از سیزده ایالت این کشور قانون شریعت باید اجرا شود، ناشی از تلاش‌ها و تهدیدهای رادیکال‌ها برای برقراری حکومت اسلامی در تمام ایالت‌های این کشور است (سال‌های 1397).
نتیجه‌گیری
با تمامی تلاش‌های صورت‌پذیرفته، بوکوحرام همچنان مهم‌ترین مسئله امنیتی نیجریه و منطقه خود باقی مانده است. عواملی که این گروه را ایجاد کرده و آن را به همراه رادیکال‌های دیگر در منطقه جنگ‌ناپذیر و مسلمان‌نشین، سیاست‌های دولت در مناطق مسلمان‌نشین و مسیحی‌نشین، رکود اقتصادی، نیز آموزش، بیکاری، فساد و در معرض خطر قرارگرفتن هیئت دینی این عوامل شرودنی سرخرودن منطقه شمالی را به‌وسیله جذب در گروهی سوق داده است که وعده دگرگونی بنیادی در جامعه را می‌دهد و برای دستیابی به خواسته‌های خود، از خوشونت استفاده می‌کند.

توزن سه ویژگی را برای جنبش‌های اجتماعی برمی‌شمارد که می‌توان هر سه را در گروه اسلام‌گرا رادیکال بوکوحرام مشاهده کرد. تأکید بر هر یک اسلامی از اطراف مخالفت با دیگری‌هایی که این سیاست را به مخاطره می‌اندازند، برای احیای آرمانی که حکومت اسلامی خوانده می‌شود. همچنین، اگرچه به‌جزم برخی برای کاهش خسارت جانی و مالی ناشر از فعالیت‌های بوکوحرام، لازم است به‌جای مبارزه، راهکار مواجهه را در پیش گرفت تا در کار حکم‌نامه از شدت حملات، پیوستن نیروهای جدید به این گروه را نیز کاهش داد، شواهد موجود بیست شرکت فعالیت آرای هایبراماس در خصوص جنبش بوکوحرام دارد. بر اساس آرای هایبراماس، دولت نیجریه قادر به کنترل جنبش‌های رادیکال‌ها و جنبش هایبراماس است معتقد است تا زمانی که منطقق مشترک بیای گفت و گو وجود نداشته باشد، هرگونه راهحلی بی‌نتیجه خواهد بود؛ بنابراین، در ولهه اول ایجاد روابط گفت و گو مشترک با بوکوحرام، می‌تواند سبب ساز جلوگیری از ادامه خشونت شود.

اما برای مداواي ریشه‌ای افرادگرایی در منطقه شمالی، با دید در مبارزه با بوکوحرام تغییر پارادایم صورت پذیرد: از روزکرد نظامی گرای به اصلاحات ملی‌گرای و متکنتر؛ از روزکرد ملی گرای به سوسن عدالت اجتماعی و اقتصادی، رعایت حقوق انسانی و مشارکت سیاسی همه مردم به‌بیان دیگر، برای مقاومت مؤثر با بوکوحرام، دولت نیجریه باید روزکردهای سیاسی پشت از امنیت انسانی را جایگزین روزکرد امنیتی سیاست‌گرای فعلي کند. پاسخ نظامی فقط
حس زودگذر و کاذب از امانتهای فراهم می‌کنند. دولت نیجریه با ایده تلاش برای ارائه‌کالاها و خدمات عمومی ازقبل آموزش وپورش، توسعه زیرساخت‌ها، مراقبت‌های بهداشتی و افزایش مشارکت شهرنشینان در فضای سیاسی و اجتماعی را سرلوا به‌پاره‌پاره قرار دهد. ارائه معقول این محصولات اجتماعی توسط دولت، سبب خواهد شد تا تعامل سیاسی افزایش یابد و دستیابی به مشروعیت مورد نیاز دولت امکان‌پذیر شود؛ بنابراین، بهبود ارائه کالاهای عمومی، گنجاندن عدالت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی در تمام کشور و در یک کلمه حکمرانی خوب، مسیر پایدار برای مقاومت با افراط‌گرایی مذهبی و تروپریسم در شمال نیجریه است.
AUTHORS


1-18.


References


1-18.


1-18.


1-18.
Middle East Review of International Affairs, Vol 2, No 2, p: 3-9.


